

رویکردهای دیپلماسی رسانه‌ای ایران برای همگرایی با افغانستان

پس از بازگشت طالبان (آگوست ۲۰۲۱)

رویا موفق^۱، نوروز هاشم‌زهی^۲، ماندانا صنیعی^۳، رحمت حاجی مینه^۴

چکیده

پس از استقرار طالبان در افغانستان (آگوست ۲۰۲۱)، برقراری امنیت و ثبات در این کشور به دلیل همجواری با ایران، اهمیت ویژه‌ای یافته است. رسانه‌ها، نقش مهمی در حفظ اتحاد و همگرایی دو همسایه بر عهده دارند. گرایش‌های خلافت‌گرایانه طالبان، محدودیت رسانه‌های بیشتری در مقایسه با گذشته ایجاد کرده است. لذا، رسانه‌های برون‌مرزی ایران، باید به دنبال راهی برای حفظ و افزایش تفوق و همگرایی مردم دو کشور باشند. از این رو سؤال اصلی این است که «دیپلماسی رسانه‌ای چطور می‌تواند همگرایی دو کشور را پس از بازگشت طالبان افزایش دهد؟» این پژوهش با تکیه بر نظریات همگرایی و دیپلماسی رسانه‌ای و با استفاده از روش داده‌بنیاد انجام شده است. بر این اساس با کاربست مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، دیدگاه‌های ۱۶ صاحب‌نظر حوزه افغانستان تحلیل و برای تسهیل فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر دیپلماسی رسانه‌ای عبارت هستند از: الف) عوامل زمینه‌ای: شامل نگرانی‌های امنیتی، آمادگی نظامی، فرهنگ راهبردی و پویایی مذهبی؛ ب) عوامل علی: شامل پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق، آداب و رسوم، عوامل سیاسی داخلی و خارجی؛ ج) عوامل میانجی: شامل پناهنجویان افغانستانی، قومیت‌گرایی و اقلیت‌ها، عوامل اقتصادی، اکوسیستم و زنان. همچنین اتخاذ موضع برابر در مقابل حکومت سرپرستی طالبان توسط ایران نقش مؤثری در دیپلماسی رسانه‌ای داشته و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ و تمدن فارسی مهمترین و مؤثرترین راه همگرایی بین دو کشور است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی رسانه‌ای، همگرایی، واگرایی، ایران، طالبان و افغانستان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Rmovaffagh2003@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
no_hashemzehi@yahoo.com

۳. استادیار، گروه علوم ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



مقدمه

طالبان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱، برای دومین بار در تاریخ معاصر به حکومت افغانستان رسید. دیدگاه‌ها، نظرات و گرایش‌های خلافت‌گرایانه این گروه فضای تعامل را نه تنها برای ایران بلکه برای سایر کشورها نیز مشکل کرده است. چرا که اساساً طالبان یک دولت-ملت و حکومت به رسمیت شناخته شده دیپلماتیک از طرف بیشتر کشورها نیست؛ بلکه یک پدیده ایدئولوژیک، تئولوژیک با مشی توتالیتر و میلیتاریستی است که شناختی از سیاست خارجی، حقوق بین‌الملل، مسائل مرزی و ... ندارد و هر موضوع و اختلافی را از منظر شرع، زبان، قوم و ... تحلیل می‌کند. از طرفی این کشور همواره مورد طمع قدرت‌های بیگانه برای جایابی در چرخه ناآرام قدرت از طریق اعمال فشارهای بیرونی و بهره‌گیری از منازعات داخلی بوده است و همسایگی با این کشور، استقرار امنیت، برقراری ثبات، افزایش تعاملات و همکاری‌های دوجانبه را برای ایران بسیار حائز اهمیت می‌کند (روحی و ترابی اقدم، ۱۳۹۵: ۲).

روشن است که ایران در رابطه با طالبان به‌عنوان حاکمان فعلی افغانستان، دو راه‌حل مشخص پیش‌رو دارد. اول اینکه مانند تاجیکستان، با وجود حمایت از اقوام تاجیک در شمال افغانستان، این دولت را به رسمیت نشناخته و کاملاً با سوگیری و عینک بدبینی به آن نگاه کند و یا اینکه مانند قطر روابط دوستانه با طالبان داشته باشد و در پیچه همکاری طالبان با آمریکا را بر اساس منافع خود همچنان باز نگه دارد. هر دو راه‌حل، پشتوانه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی خاص خود را دارد. انتخاب هر راهبرد بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و دکترین کلان سیاسی کشورها است اما به‌عنوان راه‌حل سوم می‌توان دیپلماسی برد-برد را نیز در نظر داشت. اتخاذ سیاست‌های تعدیل شده از طرق مختلف، خصوصاً دیپلماسی رسانه‌ای که تأثیرات مدنظر دولتمردان را اعمال می‌کند، از این دست هستند. این تغییرات حتی می‌تواند در جهت هدایت و تغییر سیاست‌های مبهم و خصمانه طالبان به کار آید و زمانی ضروری به نظر می‌رسد که موقعیت سوق‌الجیشی خاص، چندقومی، چند مذهبی و چند زبانی این کشور را نیز مد نظر قرار داد. علاوه بر این باید در نظر داشت همگرایی ایران و افغانستان اجتناب‌ناپذیر بوده و در صورت عدم تفاهم با طالبان، ایران با بحران‌های زیست‌محیطی، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی و ... بیشتر از گذشته مواجه خواهد بود (فلاح‌پیشه، ۱۴۰۲).

در این فضا، که ترجیحات حکومت طالبان به‌ویژه طیف تندرو این گروه، با ایران ناسازگار شده است (شفیعی، ۱۴۰۲: ۵۲)، دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند به‌عنوان بازوی دیپلماسی عمومی



برای همگرایی دو کشور کمک مؤثری باشد. زیرا طالبان دارای ضعیف‌ترین هویت دولت-ملتی در شکل قانونی بوده و در جامعه سنتی و قبیله‌ای افغانستان با ایدئولوژی خاص خود مدیریت امور را برعهده گرفته است. با این حال طالبان، برای اتخاذ سیاست‌های خارجی، مجبور به عبور از لایه هویتی خرد جامعه قبیله‌ای خود بوده و باید منفعت جمعی و رویکرد ملی را در تعامل با همسایگان در نظر بگیرد (مرتضوی‌امامی‌زواره، ۱۳۹۸: ۱۸)

در جهان امروز رسانه‌های نوین، نحوه هدایت سیاست خارجی را تغییر داده‌اند و اکنون قدرت جهانی یک کشور در توان و استعداد دیپلماسی رسانه‌ای آن در ایجاد هویت ملی و ارائه تصویر مکمل بین‌المللی آن نهفته است. دیپلماسی، دیگر پدیده اتاق‌های در بسته نیست، بلکه پدیده‌ای آشکار است. پدیده‌ای رسانه‌ای است که هر چه پویاتر باشد، سیاست خارجی را پویاتر خواهد ساخت و دیپلماسی در جهان امروز، بدون درک عمیق از نقش مهم وسایل مدرن ارتباطی ناممکن است (ظریف، ۱۳۸۷: ۳۹۶).

به اعتقاد شرام، نظریه پرداز ارتباطات، رسانه‌ها با دستکاری افکار عمومی، ساختن ایدئولوژی و فرهنگ توده‌ای، پرورش شهروندانی نقاد و ایجاد همبستگی اجتماعی، جامعه‌ای باز و کثرت‌گرا می‌سازند. بنابر این هر جامعه‌ای که قانونمند بوده و از امکانات توسعه‌ای گسترده برخوردار باشد، ابزار رسانه‌ای قوی‌تر خواهد داشت و در کنار آن مردم، آگاهی و رشد اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند. حق انتخاب رسانه‌ها توسط مخاطبان از طرفی و آزادی بیان رسانه‌ها از طرف دیگر، مطالبه‌گری، آگاهی و در نهایت پیشرفت جوامع را سرعت می‌بخشد. در جامعه افغانستان به‌دلیل مختلف که شاید یکی از مهمترین آنها فقر رسانه‌ها و نبود آزادی بیان است؛ حفظ شرایط فرهنگی موجود اهمیت دارد و ارسال پیام‌های رسانه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های محدود قابل دسترس در این کشور ممکن است. هر چند افغانستان قانون رسانه‌های همگانی را در سال ۲۰۰۱ و دوران جمهوریت به تصویب رساند تا نحوه فعالیت و خطوط قرمز رسانه‌ها را شفاف‌سازی کند اما با ظهور مجدد طالبان، از ۵۹۷ رسانه موجود در افغانستان تنها ۲۸۴ رسانه اجازه فعالیت یافتند که صرفاً ۲۱۳ رسانه نیمه‌فعال هستند (2: Vejdani and kumar, 2023). بر طبق قانون اساسی افغانستان، آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های آزاد تضمین شده است، اما طالبان، دهه‌ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی محلی را تعطیل کردند و تنها رادیو دولتی صدای شریعت طالبان و تلویزیون ملی افغانستان از بخش دولتی و تلویزیون طلوع از بخش خصوصی به همراه معدود رسانه‌های خصوصی اجازه فعالیت و پخش تبلیغات طالبان را دارند. همچنین این شبکه‌ها از پخش موسیقی یا

صدای زنان منع شدند (Vejdani and Kumar, 2023: 1). با همه آنچه گفته شد ایران از ابزارهای رسانه‌ای در افغانستان، برخوردار است که می‌تواند از طریق آن در تحقق اهداف دیپلماسی رسانه‌ای خود در این کشور بهره‌برداری کند. یکی از مهمترین راه‌های تعامل با مردم افغانستان، شبکه تلویزیونی سحر افغانستان و شبکه آی‌فیلم است. هر دو شبکه دولتی و متعلق به معاونت برون‌مرزی صداوسیما ایران است و از طریق سیستم ستاب‌باکس و پخش ماهواره‌ای در افغانستان قابل مشاهده است. شبکه‌های تلویزیونی تعاملی بر پایه فضای وب و رسانه‌های نوین، رادیوی دولتی افغانستان و رادیو دری و پشتو ایران، خبرگزاری‌های فارسی‌زبان، بهره‌برداری از پتانسیل فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از ظرفیت‌های موسسه‌ها و خصوصاً نشر آثار ادبی و فرهنگی، برگزاری نمایشگاه اشتراکات فرهنگی، استفاده از ظرفیت‌های تعاملی تورسیم مذهبی، درمانی و فرهنگی و ... از دیگر ابزار رسانه‌ای ایران هستند.

پژوهشگر این نوشتار به دنبال پاسخ به این سوال است که «ایران برای تقویت همگرایی با افغانستان باید چه رویکردهایی را در دیپلماسی رسانه‌ای اتخاذ کند؟»

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های انجام شده، پژوهش‌های مهمی که ارتباط تنگاتنگی با موضوع تحقیق یعنی دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر ایران و افغانستان داشته‌اند، به شرح ذیل هستند.

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۱	بسترهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در دوره ریاست جمهوری حامد کرزای و اشرف غنی	نوروزی و همکاران (۱۴۰۰)	توصیفی-تحلیلی	نویسندگان محدودیت‌ها و فعالیت‌های فرهنگی ایران در افغانستان، معایب و آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی ایران را واکاوی کرده‌اند. اینکه مشترکات و قرابت‌های جغرافیایی، فرهنگی، زبانی و مذهبی و... با تکیه بر فعالیت‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و مبادلات فرهنگی آسان‌تر از کشورهای دیگر ارتقای فرهنگی را میسر می‌کند.

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۲	بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان	می‌ناوند و جعفری (۱۳۹۸)	توصیفی-تحلیلی	نقاط قوت و ضعف ساختارهای رسانه‌ای در کشورهای فارسی‌زبان بررسی شده است. موضوعات فرهنگی و هویتی می‌تواند در چارچوب پیشنهادی برای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی استفاده شود و منشاء تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای باشد.
۳	واکاوی سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان	مرتضوی امامی‌زواره (۱۳۹۸)	توصیفی-تحلیلی	سیاست خارجی دولت‌ها از دو دسته عوامل متأثر است؛ ساختار داخلی و تحولات خارجی. اهداف سیاست خارجی ایران، حفظ تمامیت ارضی، رفاه و امنیت ملی، کسب قدرت بین‌المللی و ترویج ایدئولوژی و عقاید مذهبی است.
۴	روابط آشفته ایران با افغانستان و تاجیکستان: همسویی مرکب	Legrenzi (2023)	توصیفی-تحلیلی	شرایط آنارشیک امنیتی بین سه کشور و پیامد سیاست‌های اتخاذ شده دولت‌های افغانستان، ایران و تاجیکستان در جهت تقویت همسویی تبیین شده است.
۵	رابطه فرهنگی افغانستان و ایران در دوره امان‌الله خان	Elham (۲۰۲۳)	توصیفی-تحلیلی	حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی، علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان، عرصه‌ای برای بهبود روابط دو کشور و جایگزینی در مناسبات سیاسی است.
۶	از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان	شفیعی (۱۴۰۲)	توصیفی-تحلیلی	همکاری ایران و افغانستان در دوره گذشته، به دلیل وجود دشمن مشترکی به نام امریکا و ترجیحات سازگاری بود، اکنون روابط وضعیت منازعه پیدا کرده و نیاز به اتخاذ رویکرد سازه‌انگارانه است.
۷	مدل راهبردی طالبان در روند دولت‌سازی دوم در افغانستان	عالیشاهی و حسن‌پور (۱۴۰۱)	کیفی-اکتشافی	مدل راهبردی دولت‌سازی طالبان در ۱۱ مؤلفه و شاخص احصا و تبیین شده است.

ردیف	عنوان پژوهش	نام نویسندگان و سال	روش	مهمترین یافته‌ها
۸	بررسی علل و زمینه‌های بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان	مقدس (۱۴۰۰)	توصیفی-تحلیلی	ناکارآمدی، بحران مشروعیت و شکنندگی دولت از یک سو و ظرفیت‌های داخلی طالبان از سوی دیگر در سطح ملی، تغییر استراتژی و عملکرد همسایگانی مثل پاکستان، هند و ایران در سطح منطقه‌ای و آمریکا و ناتو و ... در سطح بین‌المللی در قدرت‌یابی دوباره طالبان در افغانستان، نقش تعیین‌کننده داشته‌اند.
۹	طالبان‌زدایی و آغاز طغیان در افغانستان	Bacon (۲۰۲۱)	توصیفی-تحلیلی	تصمیم آمریکا برای غیرطالبانی کردن افغانستان، نقطه عطفی بوده که پس از آن جلوگیری از بروز شورش دشوارتر شده است. پناه بردن طالبان فراری به پاکستان و آماده شدن برای بازگشت به قدرت پس از پیروزی‌های نظامی اولیه نشان از بی‌توجهی آمریکا داشته است.

همانطور که ملاحظه می‌شود هیچکدام از این پژوهش‌ها، در شرایطی مشابه با شرایط فعلی افغانستان، به نقش رسانه‌ها در این کشور پرداخته‌اند. در زمان حاضر نگرانی‌هایی مبنی بر کم‌رنگ شدن نقاط همگرایی ایران و افغانستان وجود دارد. اغلب مقاله‌ها به نقش سیاست و کشورهای خارجی مانند آمریکا و ظرفیت‌های طالبان در سطح منطقه پرداخته و ضمن برشمردن نقاط همگرا و واگرایی بین ایران و افغانستان، راهکارهایی برای بهبود اشتراکات بین این دو کشور، پیشنهاد داده‌اند.

مبانی نظری

از آنجا که مردم ایران و افغانستان، در طول قرن‌ها، به سراسر منطقه مهاجرت کرده و جوامع دیاسپورا، تشکیل داده‌اند و در طی این ارتباطات مردمی سنت‌های فرهنگی، اشاعه و پیوندهای فرهنگی و تاریخی و زبانی ایجاد شده است (طباطبایی، ۲۰۲۱)، نظریاتی که همگرایی را بر پایه



ارتباطات فرهنگی و تمدنی تبیین می‌کند مفید هستند. به اعتقاد مانوئل کاستلز، ارتباطات و اطلاعات، جهانی نو را در پایان هزاره دوم شکل داده است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرآیند مستقل پدیدار شده است: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی-فرهنگی. به نظر او روند این تحولات منجر به ظهور جامعه شبکه‌ای شده است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۴۱۷). با الهام از مبانی نظریه کاستلز، شاید بتوان گفت با شناخت پایه‌های فرهنگی یکسان در این دو کشور و همگرایی ایجاد شده بین آنها می‌توان اتحاد نوینی ایجاد کرد. ایجاد زمینه تبادل افکار، توسعه تمدن و فرهنگ، آگاهی دادن در مورد مسایل روز، کمک به تصمیم‌گیری، تأیید و تصدیق خبرها، گسترش اندیشه‌ها، تبلیغ عقاید مؤثر، کارآمد است. در مجموع رسانه‌ها نقش مهمی در شکل دادن به افکار عمومی، تقویت گفتگو و تأثیرگذاری بر روابط بین مردم و دولت در هر جامعه‌ای دارند. در ایران و افغانستان، نیز رسانه‌ها می‌توانند تفاهم ملت-دولت را بهبود بخشند. عموم افغانستانی‌ها به رسانه‌های ایران اطمینان دارند که این اعتماد به دلیل وجود قرابت‌های فرهنگی دو کشور با پخش برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، ادبی و ... حاصل شده است. شبکه تلویزیونی آی‌فیلم، سحر افغانستان، رادیو پشتو و دری که پس از رادیو بی‌بی‌سی مهم‌ترین رادیوی منطقه است، به همراه شبکه‌های تلویزیونی که حتی توسط بخش خصوصی افغانستان اداره می‌شود و ایران فقط در تأسیس و کمک‌های فنی به آنها مؤثر بوده است، مثل شبکه نور به مسئولیت آیت‌الله آصف‌محسنی، که از رهبران شیعیان افغانستان است نفوذ قابل ملاحظه‌ای در اقشار مختلف مردم دارد. به طوری که در هرات، مزار شریف، قندوز، قندهار و بخش‌های شمال و غربی این کشور مهاجران افغانی تمامی فرهنگ ایرانی را به آنجا منتقل کرده‌اند که این مسئله حتی در پوشش و سخن گفتن و به طور کلی سبک زندگی آنها نیز مشاهده می‌شود (بهشتی‌پور، ۱۴۰۲).

با توجه به آنکه رسانه‌ها به یکی از بازیگران اصلی حاضر در کارزار دیپلماسی امروز تبدیل شده‌اند، آنها در تمام مراحل فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی نقش دارند و رهبران سیاسی، رسانه‌ها را از جنبه‌های ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهند (خرازی‌آذر، ۱۳۸۸: ۴۳). گیلوآ، دیپلماسی رسانه‌ای را شامل استفاده رسانه‌ها توسط رهبران، به منظور بیان منافع (خود) در مذاکرات؛ اعتمادسازی؛ و بسیج حمایت از توافقات می‌داند رهبران از ارتباطات جهانی به عنوان ابزاری مهم برای پیشبرد مذاکرات و نیز بسیج حمایت عمومی از توافقات استفاده می‌کنند (Gilboa, 2002: 62-63).

به این ترتیب اگر رسانه‌ها به‌عنوان بازیگران فعال میدان سیاست بتوانند رسالت خود را به‌درستی انجام دهند می‌توانند به بی‌ثباتی که در غرب آسیا حاکم شده و در آن قدرت‌های شرق و غرب هر کدام به نوعی در دنبال کردن منافع خود به هر راه و روش ممکن از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کنند، پایان دهند. هوشیاری رسانه‌ها و تکیه بر کارکرد صحیح دیپلماسی رسانه‌ها می‌تواند راهی باشد که با پرهیز از یکجانبه‌گرایی مذهبی، قومی و تأکید بر همکاری همه اقوام افغانستانی و ایرانی، سازوکارهای تامین منافع هر دو کشور فراهم شود.

نظریه دیگری که منبع استناد این پژوهش می‌باشد نظریه همگرایی و واگرایی کانتوری و اشپیگل است. فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتوی شکل‌گیری آنها تشکیل می‌دهد. همگرایی از نظر مفهومی یعنی تقویت و نزدیکی افراد و دولت‌ها به‌سوی نقطه‌ای مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشخص آنها شناخته می‌شود. واگرایی یعنی فرآیندی که در آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (رمضانی و محرابی، ۱۳۸۹: ۱۷). در بیشتر موارد همگرایی در سیاست بین‌الملل با منطقه‌گرایی یکسان برآورده می‌شود. شاید به این دلیل که همگرایی در سطح منطقه بسیار ملموس‌تر و مشخص‌تر دیده می‌شود. در واقع همگرایی منطقه‌ای، فرآیندی است که نوعی تصمیم‌گیری جمعی در آن شکل می‌گیرد (کولایی و سازمند، ۱۳۹۰: ۶۱) و فرآیندی چند بعدی است که افزون بر ابعاد سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی در کانون آن تجارت و همگرایی اقتصادی نقش مهمی دارند.

وجود بیش از ۵ میلیون مهاجر افغانستانی، صادرات غیر نفتی ۱۸۰۰ میلیون دلاری ایران، ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری به شکل ساخت جاده و شبکه خطوط ریلی و ایجاد مدارس و بیمارستان در افغانستان و ... همه و همه نقش همگرایی دو کشور با مرکزیت اقتصاد را پررنگ‌تر می‌کند (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۲).

کانتوری و اشپیگل، همچنین نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند. آنها عرصه‌های سیاست بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند که عرصه‌های سیاست بین‌الملل را ترسیم می‌کنند و آن را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌کنند. بر این اساس معتقدند که سه نوع سیستم مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. سیستم مسلط در عرصه جهانی وجود داشته و قدرتمندترین کشورها را در بر می‌گیرد. سیستم تابعه، روابط متقابل را در درون منطقه شامل می‌شود؛ این در حالی است که سیستم داخلی، کشور



و سازمان‌های آن را شامل می‌شود. بر این اساس منطقه، نواحی از جهان است که واحدهای تشکیل‌دهنده آن، از نظر جغرافیایی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته و مسائل مربوط به سیاست خارجی آن‌ها به یکدیگر مرتبط است؛ فعالیت‌های دیگر اعضای حاضر در منطقه از متغیرهای تعیین‌کننده سیاست خارجی واحد منطقه‌ای است و در شرایط عادی تا زمانی که اعضاء جایگاه دائمی خود را در منطقه به‌دست نیاورده یا نتوانند آن را حفظ کنند؛ نمی‌توانند به موفقیت در سایر نقاط یا مناطق دست یابند. طبق این نظریه ایران برای حفظ قدرت منطقه‌ای خود نیاز به همکاری با افغانستان به‌عنوان همسایه شرقی خود داشته و هیچ عاملی خصوصاً ساختار حکومتی خلافت‌گرایانه و عملکرد طالبان نباید مانع باشد.

به‌نظر کانتوری و اشپیگل، چهار متغیر الگویی مشخص می‌تواند تبیین‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای و تمایز آنها از یکدیگر باشد. این چهار متغیر الگویی به‌ترتیب عبارتند است: ۱- ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه و یا مکمل بودن ویژگی تمامیت‌های سیاسی که متمایل به همکاری هستند و میزان مبادلات بین این واحدها؛ ۲- ماهیت ارتباط‌های درون منطقه‌ای؛ ۳- سطح قدرت در نظام تابعه؛ نظام تابعه در درون مرزهای سیستم، بین عوامل جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی کنش متقابل برقرار می‌کند و همچنین در نظام تابعه، روابط سیاسی بومی (تضاد یا همکاری)، عامل جغرافیا و مرزهای اجتماعی و تاریخی به توضیح و ترسیم حدود سیستم تابع کمک می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۸۵). ۴- ساختار روابط درون منطقه‌ای (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۶). در این خصوص می‌توان ساختار حکومت، عملکرد و منابع فکری طالبان را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: «مکتب دیوبندی، پشتونوالی و تاریخ معاصر افغانستان» (خلوصی، ۱۴۰۲). در مکتب دیوبندی، تغییر شریعت همراه با نوع نگاه پشتونوالی است که در آن اقلیت‌های مذهبی جایی ندارند. همچنین این مکتب با استفاده از مفاهیم قبیله‌ای بستر مناسب حذف زنان از سطح جامعه را فراهم کرده است. در باور دیوبندی‌ها، جهاد تنها ابزار مبارزه با کفر و شرک شناخته می‌شود. دومین منبع فکری طالبان پشتونوالی است. که شامل آداب و رسوم پشتون‌ها است و ریشه در سنت‌های قبایلی و طوایفی دارد که به‌شکل سیاسی باز تولید شده و همواره به‌عنوان یک چرخه، حضور خود را در سیاست و مناسبات قدرت در افغانستان حفظ کرده است. انحصارگرایی قدرت از سوی قوم پشتون در افغانستان تبدیل به یک سنت شده است. چرا که حاکمیت زمامداران پشتون و تمامیت‌خواهی قومی و سیاسی در صحنه قدرت و حاکمیت سیاسی، با ترویج و تحکیم اندیشه و آرمان انحصارگری همراه بوده و این رویکرد منجر به حاشیه‌نشینی، ظلم‌پذیری و انزوای شدید سایر اقوام ساکن در

افغانستان از قبیل تاجیک‌ها، ازبک‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و مخصوصاً هزاره‌ها شده است (عصمت‌اللهی، ۱۴۰۲). سومین منبع فکری طالبان، تاریخ معاصر افغانستان است. طالبان معتقد است از آنجا که نام این کشور، افغانستان است پس این سرزمین به‌صورت انحصاری متعلق به این قوم است که با فتح، غلبه و پیروزی به غنیمت گرفته شده است. این درک انحصاری، باعث می‌شود تا تمامی اقوام غیرپشتون این کشور به‌نوعی پناهنده تلقی شده و به‌عنوان شهروندان درجه دوم و یا درجه سوم به آنها نگاه شود. این موضوعات تشکیل دولت فراگیر را که تأمین‌کننده حقوق اساسی تمام مردم افغانستان باشد، با چالش مواجه کرده و حقوق اساسی ابتدایی را در قانون اساسی، تضمین نکرده است. هر چند این مسائل عدم اعتماد و نارضایتی ایران را در بر دارد (موسوی، ۱۴۰۲)، اما طبق متغیرهای الگویی کانتوری و اشیپگل ماهیت ارتباط ایران و افغانستان را مشخص می‌کند. در این مقاله با شناسایی ظرفیت‌های قومی، فرهنگی و منطقه‌ای افغانستان و اثر کنش متقابل آنها در سیاست، امنیت، رسانه، اقتصاد، فرهنگ و... با ایران، سطح انسجام و همگرایی این دو کشور بررسی شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر یک رویکرد کیفی به روش گراند تئوری (نظریه‌مبنایی یا نظریه داده‌بنیاد) است. این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها را در بافت واقعی خود فراهم می‌آورد و به ارائه یک چارچوب مفهومی می‌پردازد. نکته مهم در پژوهش داده‌بنیاد این است که این گونه خلق نظریه (مفسه‌ای و کتابخانه‌ای) نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت‌کنندگانی که فرآیند را تجربه کرده‌اند ایجاد شده یا مبتنی بر آنهاست. بر این اساس، نظریه داده‌بنیاد یک طرح پژوهشی کیفی است که در آن پژوهشگر نوعی تبیین کلی (یا نظریه‌ای) از یک فرآیند، اقدام یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان است (Strauss & Corbin، ۱۹۹۸: ۷۷). استفاده از روش داده‌بنیاد در پژوهش فعلی با توجه به فقدان الگوی مدونی در جهت همگرایی ایران و افغانستان پس از طالبان صورت گرفته است.

جهت اجرای روش گراند تئوری، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. روند کار به‌گونه‌ای بود که بعد از مطالعه و بررسی‌های فراوان و بهره‌مندی از نظر مشاوران، سؤال‌های مصاحبه‌نهایی و مصاحبه‌ها آغاز شد و تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل، مصاحبه‌های انجام شده تایپ، مطالعه و اصطلاحاً کدگذاری و برای تحلیل از



نرم افزار MAXQDA استفاده شد. در مدل استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مبنا و زیربنای تشکیل مدل یا چارچوب مفهومی را مفاهیم و مضامین تشکیل می‌دهند و ضروری است ابتدا از دل داده‌های خام، مفاهیم را شناسایی و برحسب خصوصیات و ابعادشان بسط و گسترش داده و سپس مقوله‌های اولیه استخراج شوند که این کار با استفاده از کدگذاری باز انجام می‌شود؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند بین مقوله‌ها انتزاعی‌تر شکل می‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۲۴).

در این تحقیق از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون ۳ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی یک هفته توسط پژوهشگر دوباره کدگذاری و با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهای مشابه در دو فاصله زمانی با عنوان «توافق» مشخص شدند. تعداد کدها در فاصله زمانی برابر ۶۸، تعداد کل توافقات در این دو زمان برابر ۱۱۰ و تعداد کل عدم توافقات برابر ۶۳ بود. پایایی بازآزمون مصاحبه‌ها برابر ۷۶ درصد و بیشتر از ۶۰ درصد بود که این مقدار قابل قبول است (Koole, 2009: 237). بنابر این، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد. همچنین پایایی بین دو کدگذار نیز انجام شد و تعداد کل کدها که توسط محقق به ثبت رسید برابر ۱۶۸، تعداد کل توافقات بین این کدها ۹۳ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۲۸ است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق برابر ۷۶ درصد و بیشتر از ۶۰ درصد است، بنابر این قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. روایی در یک مطالعه کیفی، اشاره بر میزانی دارد که مشاهده محقق توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد (koole,2009:238). در تحقیق کنونی، اعتبار برای هر کدام از مراحل هفت‌گانه انتخاب موضوع، طراحی، مصاحبه، نسخه‌برداری، تحلیل، تأیید و گزارشگری مورد توجه قرار گرفت تا نتایج به‌دست آمده قابل اتکا باشند.

برای نمونه‌گیری خبرگان، از روش‌های غیراحتمالی و هدفمند (نادری فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳) استفاده شده است. در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد است. بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود به‌عبارت دیگر فرآیند مصاحبه‌ها تا تکرار داده‌ها و رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. بر این اساس از ۱۶ نفر از افراد واجد شرایط که سابقه اشتغال به کار در ارگان‌های سیاسی، رسانه‌ای و تجربه حضور در افغانستان داشته‌اند، به شرح ذیل مصاحبه شده است.

جدول شماره ۲- مشخصات پاسخگویان

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	زنده یاد پیر محمد ملازهی	پژوهشگر حوزه افغانستان
۲	مولوی محمدمختار مفلح	استاد افغانستانی و مدرس حوزه های اهل سنت و رئیس نهضت اسلامی افغانستان و از علمای اهل سنت افغانستانی مقیم ایران.
۳	محمد روحی	کارشناس مسائل سیاسی و اقوام افغانستان و مدیر دفتر نمایندگی اسبق سازمان صداوسیما در افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۴)
۴	ابوطالب مظفری	شاعر و نویسنده و از جامعه مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۵	ناصر جهانشاهی	کارشناس ارشد مسایل افغانستان و رایزن اسبق فرهنگی سفارت ایران در افغانستان
۶	دکتر محمدهاشم عصمت‌اللهی	فعال رسانه‌ای و مشاور سابق احمد کززی رئیس‌جمهور وقت افغانستان و از مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۷	مولوی حبیب‌الله حسام	استاد افغانستانی و مدرس حوزه های اهل سنت و رئیس شورای اخوت اسلامی افغانستان و از علمای اهل سنت افغانستانی مقیم ایران
۸	دکتر زهرا محمودی	پژوهشگر امور افغانستان
۹	عبدالقیوم سجادی	نماینده سابق مجلس نمایندگان ولسی جرگه افغانستان و از مهاجران افغانستانی مقیم ایران
۱۰	دکتر سیدرسول موسوی	مدیرکل آسیای جنوبی وزارت امور خارجه
۱۱	عبدالحمید نورزایی	پژوهشگر افغانستانی
۱۲	دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه	استاد دانشگاه، سیاستمدار و رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی
۱۳	عاشیق حسین طوری	کارشناس مسایل افغانستان
۱۴	محمدحسین خلوصی	استادیار دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده کتاب شیعیان افغانستان
۱۵	حسن بهشتی‌پور	پژوهشگر و صاحب‌نظر حوزه آسیای جنوب شرق
۱۶	بهرام امیراحمدیان	استاد دانشگاه و پژوهشگر

یافته‌های پژوهش

با توجه به سؤال اصلی پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گرفت و در سه گام تحلیل شد که به شرح ذیل است:

گام اول، کدگذاری باز: مصاحبه‌های دست‌نویس شده، کدگذاری شده که نمونه‌ای از نقل‌قول‌های مصاحبه در جدول ارائه شده است.

جدول شماره ۳- کدگذاری باز

کدگذاری باز	نمونه نقل‌قول‌های مصاحبه
قرابت‌های قومی، مذهبی و زبانی	تعامل تعداد زیادی از افراد به زبان فارسی (دری)، پیوندهای ایدئولوژیک با اقلیت شیعه در افغانستان، حس خویشاوندی و درک فرهنگی بین مردم
میراث فرهنگی	ادبیات، هنر، موسیقی و سنت مشترک، تسهیل در تعامل و تبادلات فرهنگی با کشورهای مشترک در مسیرهای تجاری باستانی مثل جاده ابریشم
روایت تاریخی	دیدگاه‌های مشترک حاصل از تاریخ طولانی امپراتوری‌ها و تغییرات ژئوپلیتیک، تلاقی گذشته باستانی و دیدگاه‌های مشترک تاریخی
مشارکت‌های ادبی و فکری	ادبیات فارسی به‌عنوان گنجینه‌ای برای ایرانیان و افغانستانی‌ها، وجود شاعران و دانشمندان مشترک با سنت‌های فکری فارسی
تبادلات فرهنگی	مبادلات معماری و جنبه‌های مختلف زندگی روزمره، وجود بناهای تاریخی منعکس‌کننده عناصر فرهنگی
آداب و رسوم	شباهت در جشنواره‌های فرهنگی، آداب و رسوم و سنت‌ها، هویت مشترک جشن‌ها همانند نوروز و یلدا
سیاست داخلی	تمرکز طالبان بر حفظ وحدت داخلی، وجود رهبری منسجم و واحد
سیاست خارجی	شناسایی موقت طالبان و دوفاکتوی ایران
ایران پناهگاه مهاجران	میزبانی ایران از پناهجویان افغانستانی، مشارکت ایران در ارائه کمک‌های بشردوستانه به افغانستان
اثرات اجتماعی پناهجویان	همکاری ایران با نهادهای بین‌المللی برای رفع فشار بر منابع اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و... همکاری با طالبان با هدف رفع چالش‌های پناهندگان افغانستانی در ایران
وضعیت حقوقی و حمایتی	هماهنگی سیاست‌های اقامت، مجوزهای کاری و دسترسی پناهجویان به خدمات عمومی، تغییر در فضای سیاسی و سیاست‌های دولت
بازگشت داوطلبانه	تسهیل بازگشت داوطلبانه پناهجویان افغانستانی، امنیت نسبی و کاهش چالش‌های اقتصادی در افغانستان
قومیت‌گرایی	تمایز قائل شدن بین اقوام، قبایل و گروه‌های مختلف افغانستان توسط ایران، احترام به شوراها و سنتی و رهبری قومی در افغانستان



نمونه نقل‌قول‌های مصاحبه	کدگذاری باز
مقابله با گروه‌های تروریستی همچون داعش، تلاش‌های مشترک برای مقابله با تهدیدات امنیتی، اشتراک اطلاعات، عملیات نظامی مشترک، ابتکارات دیپلماتیک با هدف مقابله با تروریسم	امنیت منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم
مدیریت اماکن مذهبی، گردشگری مذهبی (حرم امام رضا (ع)، کارته سخی کابل، بقعه مزارشریف و...)، ارزش‌های دینی مشترک (میراث مذهبی، رسوم مشترک، اماکن مقدسه و ...)	امور مذهبی

گام دوم، کدگذاری محوری: زیرطبقه‌های شکل گرفته در مرحله قبل دسته‌بندی شده و طبقه‌های جامع‌تر به شرح ذیل شکل گرفتند.

جدول شماره ۴ - کدگذاری محوری

کد باز	کد محوری
قربت‌های قومی، مذهبی و زبانی	پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق بین دو کشور
میراث فرهنگی مشترک	
دیدگاه‌های مشترک از روایت‌های تاریخی	
مشارکت‌های ادبی و فکری	
تبادلات فرهنگی	آداب و رسوم
مراسم و جشن‌ها	
شناسایی موقت طالبان توسط ایران	عوامل سیاسی خارجی
وجود رهبری منسجم واحد	
تمرکز طالبان بر حفظ وحدت داخلی	عوامل سیاسی داخلی
وجود رهبری منسجم واحد	
امنیت مرزی	نگرانی‌های امنیتی
تروریسم و افراط‌گری	
قاچاق مواد مخدر	
درگیری‌های داخلی در افغانستان	
افزایش خطر خشونت و ناآرامی در ایران با بی‌ثباتی افغانستان	آمادگی نظامی
تلاش‌های مشترک برای مقابله با تهدیدات امنیتی	
اشتراک اطلاعات و عملیات نظامی مشترک	
مبارزه با تروریسم و افراط‌گری	پویایی مذهبی
شکاف شیعه و سنی	
تفسیر طالبان از اسلام	

وضعیت اقلیت‌های مذهبی و ارزش‌های دینی مشترک	
مدیریت اماکن مذهبی و گردشگری مذهبی	
همبستگی اسلامی	
سنت خلیفه‌گری	فرهنگ راهبردی
تربیت دیوبندی طالبان	
فرهنگ پشتون والی	
میزبانی و مشارکت ایران در ارائه کمک‌های بشر دوستانه	پناهجویان افغانستانی
اثرات اجتماعی حضور پناهجویان و برتری‌جویی ایرانیان	
وضعیت حقوقی و حمایتی مهاجران افغانستانی	
تسهیل بازگرداندن داوطلبانه پناهجویان افغانستانی	
تمایز قائل شدن بین اقوام و گروه‌های مختلف از سوی ایران	قومیت‌گرایی و اقلیت‌ها
احترام به شوراها و سنتی	
امنیت و مقابله با گروه‌های تروریستی همچون داعش	
مشکلات و حقوق زنان	
احترام به حقوق اقلیت‌های مذهبی	
منابع مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری	اقتصاد
افزایش درآمدهای ارزی ایران	
همکاری‌های انرژی	
توسعه زیرساخت‌ها	
دور زدن تحریم‌ها و کم کردن آثار تورمی	
ترانزیت کالا	
چالش‌های زیست‌محیطی ایران و افغانستان	اکوسیستم
بحران منابع آبی و چالش‌های حق‌آبه ایران	
حمایت و تداوم کشت جایگزین خشکاش	

گام سوم: کدگذاری انتخابی، فرآیند یکپارچه‌سازی، بهبود و پیوند کدهای محوری است که به گزاره‌های حکمی پژوهش منجر شده است. بر پایه مؤلفه‌های مراحل کدگذاری، گزاره‌های ذیل شکل گرفته است.

گزاره اول؛ متغیرهای علی: منظور از متغیرهای علی، متغیرهایی هستند که کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر را مورد نظر دارند. ۴ متغیر مهم در

این کشور ذیل متغیر علی قرار می‌گیرند. به عبارتی پیوندهای تاریخی و فرهنگی، آداب، رسوم (همسو با نظریه کاستلز) و سیاست داخلی و خارجی افغانستان علتی است که دیپلماسی رسانه‌ای برای همگرایی دو کشور باید به آن اهمیت دهد.

گزاره دوم؛ متغیرهای زمینه‌ساز: منظور از متغیرهای زمینه‌ساز، مؤلفه‌هایی هستند که زمینه‌ساز اتخاذ و اجرای دیپلماسی رسانه‌ای در افغانستان شده‌اند. نویسندگان معتقدند که نگرانی‌های امنیتی، آمادگی نظامی، فرهنگ راهبردی مردم افغانستان و مذهب، عوامل زمینه‌ساز در دیپلماسی رسانه‌ای هستند.

گزاره سوم: متغیرهای میانجی (مداخله‌گر): منظور از متغیرهای مداخله‌گر، رویکردها و سیاست‌هایی است که تهدیدی برای ادامه دیپلماسی رسانه در افغانستان محسوب می‌شوند. پناهجویان افغانستانی، قومیت‌گرایی، عوامل اقتصادی (همسو با نظریه اشپیگل و کانتوری) و اکوسیستم بر دیپلماسی رسانه‌ای مؤثر هستند.

گزاره چهارم: متغیرهای راهبردی: مقصود از متغیرهای راهبردی، متغیرهایی هستند که برای تحقق سیاست‌های مد نظر اتخاذ می‌گردند. تلاش برای تحقق دیپلماسی رسانه‌ای با استفاده از شبکه رسانه‌ای و استفاده از مضامین مرتبط اشاره دارد که به شرح جدول شماره ۵ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۵- راهبردها

مضامین	راهبردها
تولید گزارش‌های تصویری، مستندسازی و تولید محتوای مرتبط از جشن‌ها و مراسم و آئین‌ها، مراسم مذهبی، آموزش و تقویت محتوای رسانه‌ها برای زنان، کودکان، تقویت بهداشت عمومی، اطلاع‌رسانی در خصوص مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیست، بهداشت	ایجاد شبکه تلویزیونی اختصاصی برای فارسی‌زبانان افغانستانی
اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی برای پناهجویان در خصوص مسائل اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی، کنترل افکار عمومی پناهجویان، جلوگیری از تولید شایعه و خشی کردن تبلیغات رسانه‌های معاند خصوصاً فرقه‌گرایی در اسلام	تأسیس شبکه رادیویی مستقل برای پناهجویان
ایجاد زمینه‌های گفتگو در خصوص تاریخ و فرهنگ مشترک، مشارکت و تبادل دیدگاه‌ها و نظرات، تغییر سبک زندگی خانواده‌ها، تقویت فرهنگی و زبان فارسی،	تولید پادکست‌ها و مستندهای کوتاه فرهنگی در شبکه‌های مجازی
فعال نمودن دیپلماسی عمومی در رابطه با مذاکرات مستمر با طالبان در جهت هموار کردن پخش تولیدات رسانه‌ای فارسی از شبکه‌های محلی و دولتی	تأسیس اندیشکده افغانستان شناسی

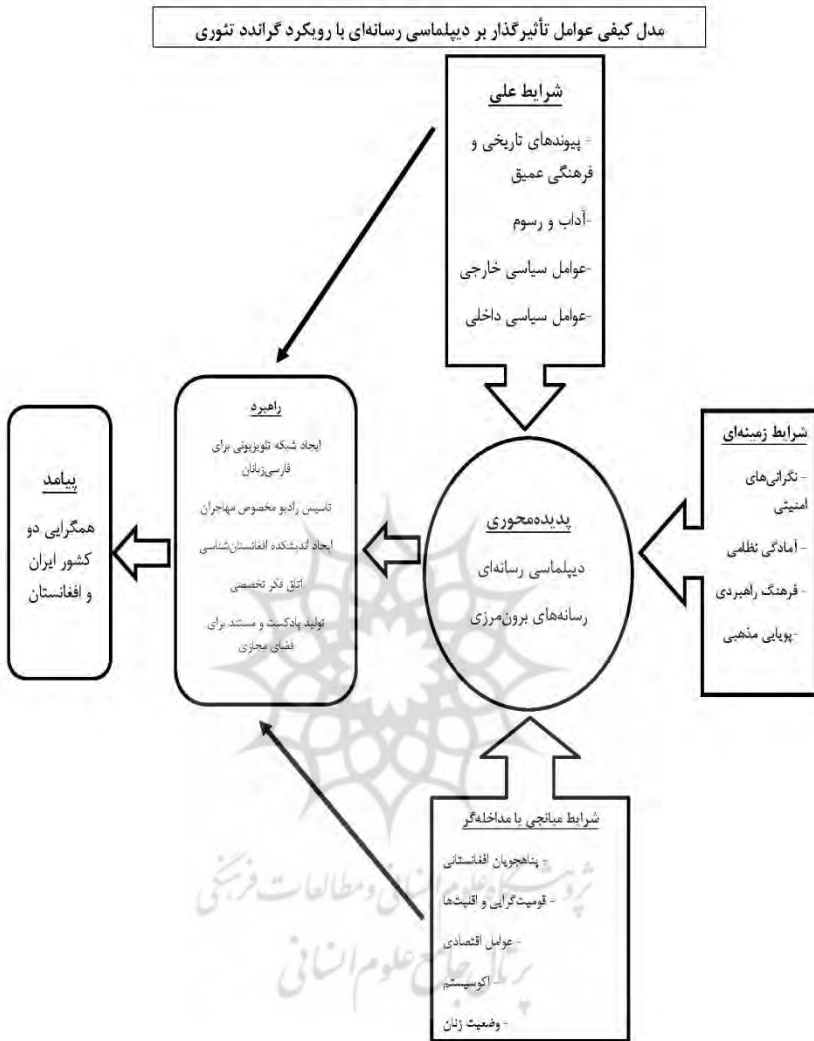
مضامین	راهبردها
افغانستان در ولایات مختلف، حفظ و گسترش روابط بین کشورهای منطقه	
اشتراک اطلاعات و همکاری‌های امنیتی بین دو کشور، ابتکارات دیپلماتیک با همکاری افغانستان در مقابل سایر کشورها، بررسی و تبیین مناسبات اقتصادی در خصوص تسهیل واردات و صادرات کالاهای ایرانی، ترانزیت کالاها از طریق جاده ابریشم و تبادلات فرهنگی و تغییر در قوانین مهاجرتی	ایجاد اتاق فکر
گردشگری مذهبی، درمانی و آموزشی	تسهیل شرایط گردشگری
تغییر سبک زندگی با آموزش مهاجران افغانستانی در مدارس و دانشگاه‌ها، کاهش فقر در بین جامعه مهاجران با تقویت آموزش‌های تخصصی و افزایش آگاهی	تقویت پذیرش دانشجویان افغانستانی
تشکیل این کمیته در کلیه نهادهای حاکمیتی ایران مانند صداوسیما، وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و ...	کمیته برنامه‌ریزی فرهنگی - رسانه ای

تبیین پیامد دیپلماسی رسانه‌ای مطلوب برای ایران

همگرایی دو کشور مهم‌ترین پیامد عملکرد صحیح دیپلماسی رسانه‌ای به شمار می‌رود که در زمینه‌های ذیل قابل بررسی است:

- ۱) همبستگی اسلامی؛
- ۲) ثبات، همکاری و اتحاد امنیتی منطقه‌ای پس از شناسایی موقت و دوفاکتوی^۱ حکومت سرپرست طالبان؛
- ۳) همسویی دو کشور در رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه؛
- ۴) فعال شدن دیپلماسی زیست‌محیطی و تعهدات اقلیمی در حوضه‌های آبریز؛
- ۵) مراقبت‌های بهداشتی و پاسخ به بیماری‌های همه‌گیر؛
- ۶) اجرای تعهدات ضد تروریسمی طالبان؛
- ۷) تبیین پیامدهای دولت دوم طالبان در افغانستان بر امنیت ایران.

۱. شناسایی یک کشور ممکن است به صورت «دفاکتو» یا «دوژوره» باشد. شناسایی دفاکتو به معنی شناسایی موقتی و به منظور برقراری مناسبات سیاسی در سطح پایین است و در این نوع رابطه، دو کشور نمی‌توانند سفیر مبادله کرده یا قراردادهای دوجانبه امضا کنند؛ ولی شناسایی «دوژوره» به معنی برقراری مناسبات کامل دیپلماتیک است.



پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
رئیس‌جمهوری عالی‌مقام ایران اسلامی
مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی

تحلیل یافته‌ها

در دوران حکومت طالبان (۲۰۲۳)، رسانه‌ها در افغانستان تحت تأثیر محدودیت‌ها و سرکوب رسانه‌های مستقل، قرار گرفت. طالبان محدودیت‌های گسترده‌ای را بر رسانه‌ها و آزادی بیان اعمال کردند که منجر به تعطیلی بسیاری از رسانه‌ها و خروج خبرنگاران به دلیل ترس و فشار شد. طالبان ده‌ها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی محلی را تعطیل کردند و معدود رسانه‌هایی که اجازه فعالیت دارند مجبور به پخش تبلیغ حکومت طالبان و از پخش موسیقی یا صدای زنان منع شدند. بر اساس نظرسنجی گزارشگران بدون مرز، افغانستان از زمان به قدرت رسیدن طالبان، تقریباً ۶۰ درصد از رسانه‌ها و نزدیک به ۶۰ درصد از خبرنگاران خود را از دست داده است (Vejdani and Kumar, 2023).

با وجود محدودیت‌هایی که در رسانه‌های افغانستان برقرار شده است صداوسیما ایران (معاونت برون‌مرزی) همچنان چند شبکه تلویزیونی فعال همانند شبکه آی‌فیلم فارسی ویژه افغانستان (تأسیس ۲۰۱۰)، شبکه تلویزیونی سحر افغانستان (تأسیس ۲۰۲۲) و رادیو دری (تأسیس ۲۰۰۱) را از طریق ماهواره و ایستگاه‌های فرستنده زمینی فعال نگه داشته است. در کنار این رسانه‌ها، خبرگزاری‌های فعال و شبکه‌های مجازی بسیاری از داخل ایران و افغانستان مشغول فعالیت‌های رسانه‌ای هستند که توسط بخش خصوصی و دولتی اداره می‌شوند.

توجه و تأکید رسانه‌های فارسی‌زبان به ابعاد تاریخی پیوند اسلام و زبان فارسی با توجه به اشتراک‌ها و گرایش‌های فرهنگی و مذهبی مردم افغانستان و ایران در صدر شرایط علی‌پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ایران است. چرا که بعد از صحابه پیامبر گرامی اسلام، اصل دین توسط ایرانی‌ها و فارس‌زبان‌ها به دیگر نسل‌ها منتقل شده است. به‌عنوان مثال تفسیر طبری، علم حدیث امام بخاری و امام مسلم نیشابوری متعلق به اقوام فارس بودند. در فقه امام ابوحنیفه، در فلسفه ملاصدرا و رازی و در فرهنگ و شعر فردوسی، مولانا، سعدی و... همگی فارس‌زبان بودند. این بدین معناست که تمدن اسلام بر شانه‌های فارس‌زبان بوده است و تداوم فرهنگ و تمدن فارسی می‌تواند از نفوذ استعمارگران به منطقه جلوگیری کند (حسام، ۱۴۰۲). حدود چهل سال است که افغانستان با وجود ناامنی، جنگ‌ها و درگیری‌ها، شاهد فرقه‌گرایی و جنگ مذهبی شیعه و سنی نبود و این گروه‌ها برادرانه با هم زندگی می‌کردند (عاشیق حسین‌طوری، ۱۴۰۲).

موضوع پناهجویان افغانستانی در دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان مهمترین شرط مداخله‌گر مطرح است، شرایط پناهجویان افغانستانی در ایران، نه تنها یک نگرانی دوجانبه است، بلکه



سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های بشردوستانه را نیز درگیر خود کرده است. ایران با کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱ و سایر شرکای بین‌المللی برای رسیدگی به چالش‌های مربوط به میزبانی از جمعیت بزرگ پناهندگان تعامل داشته و همکاری بین ایران و افغانستان و همچنین بازیگران بین‌المللی برای رسیدگی به علل ریشه‌ای آوارگی و ایجاد راه‌حل‌های بلندمدت بسیار مهم است.

پرداختن به مسائل پناهندگان علاوه بر کمک رسانه‌ها، نیازمند یک رویکرد جامع و مشارکتی است که نیازهای بشردوستانه جمعیت آواره را در نظر بگیرد و در عین حال پویایی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ایران و افغانستان را در نظر بگیرد. مدیریت رسانه‌ای جریان پناهجویان می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر روابط گسترده‌تر بین دو ملت تأثیر مثبت بگذارد. مهاجران در رسانه‌های ایران با نوعی بایکوت خبری مواجه هستند. برای نمونه جرایم، اخبار منفی مربوط به مهاجران افغانستان را منتشر می‌کنند و بیان خواست و مشکلات اقلیت مهاجر در رسانه‌ی قابل اعتماد بین مردم و دولت ممکن نیست. در این بین فضای مجازی در خلاء ایجاد شده توسط کشورهای معاند و با انتشار اخبار مغرضانه و جعلی، زمینه‌های اختلاف و هراس بین دو ملت را ایجاد می‌کند (مصاحبه با مفلح، ۱۴۰۲). اخبار جعلی و بدون منبع موثق در حملات به شیعیان افغانستان که طالبان را به جای گروه تروریستی داعش عامل حمله معرفی می‌کند نمونه‌ای از این نوع است. هر چند برخی از ریشه‌های افغانستان هراسی به رفتار طالبان بر می‌گردد. چرا که از نظر فکری، طالبان گرایش اهل سنت حنفی داشته و با مذهب شیعه اختلافاتی دارند. اما تبلیغات رسانه‌های عبری-عربی-عربی، داعش را با طالبان یکسان و افغانستان را نماد طالبان و طالبان را نماد داعش می‌دانند (مظفری، ۱۴۰۲).

داعش خراسان برای تأمین منافع در منطقه توسط آمریکا ایجاد و از افغانستان تأمین نیرو شد. داعش خراسان بالقوه به‌عنوان نیروی جایگزین طالبان در منطقه مطرح بود که این سناریو خوشبختانه با هوشیاری طالبان اجرایی نشد. واقعیت امر این است که طالبان در مقابله با داعش به پا خواست و داعش را در افغانستان زمین‌گیر کرد. جنگ‌هایی بین داعش و طالبان و اکثراً در شرق افغانستان رخ داد. داعش و طالبان یکی نیستند و همسان‌سازی طالبان و داعش در اتاق فکر غربی‌ها طراحی شده است. تفکر و اندیشه طالبان تحت تأثیر افکار دیوبندی است، در حالی که داعش پیرو جریان تکفیری سلفی متأثر از عربستان سعودی است. از سویی دیگر، ساختار



طالبان امارت اسلامی و شورای اهل حل و عقد ولی ساختار داعش، دولت اسلامی است و نهایتاً داعش حرکتی فرامرزی ولی طالبان جنبش ملی در داخل مرزهای خود است. پیامدهای یکی دانستن طالبان و داعش خصوصاً توسط رسانه‌ها نتایج خطرناکی را به بار می‌آورد (عصمت‌اللهی، ۱۴۰۲). به این ترتیب و با این توضیحات دستکاری در افکار عمومی توسط رسانه‌های غربی مثل «بی‌بی‌سی» و «افغانستان اینترنشنال» در شبکه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان، عاملی برای ایجاد بدبینی و ایران و افغانستان‌هراسی در کشورهای متقابل است.

رسانه‌های معاند این‌گونه القا می‌کنند که ایران در امور داخلی افغانستان دخالت می‌کند. شایعه سلطه‌گری ایران و نگاه برتری‌جویی بر ملت افغانستان و بسیج شیعیان علیه اهل سنت افغانستان و بروز جنگ داخلی، از دیگر شایعات این رسانه‌ها است (نورزایی و مظفری، ۱۴۰۲). علاوه بر آنچه ذکر شد نگاه از موضع بالاتر سیاستگذاران ایران به حکومت طالبان و مردم افغانستان و پیروی رسانه‌ها از این موضع به فاصله بین مردم دو کشور دامن می‌زند (امیراحمدی، ۱۴۰۲).

اقتصاد نیز به‌عنوان یکی از مهمترین شرایط مداخله‌گر در دیپلماسی مطلوب رسانه‌ای مطرح است. مسدود شدن دسترسی حکومت طالبان به منابع مالی افغانستان و کاهش کمک‌های پولی بین‌المللی، کلیه زیرساخت‌های این کشور خصوصاً صنایع، انرژی، ارتباطات و ... را تحت فشار قرار داده و در این شرایط افغانستان از برخی مزایای اقتصادی، فرهنگی و حتی رسانه‌ای ایران چشم‌پوشی می‌کند (محمودی، ۱۴۰۲: ۸۸). تا قبل از حکومت طالبان، محصولات فرهنگی و رسانه‌ای ایران همانند فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها، کتب و نشریات، محصولات آموزشی بصری و ... جزء اقلام وارداتی از ایران محسوب می‌شدند اما با کاهش پول‌هایی که از منابعی از اروپا و امریکا در قالب حمایت از مردم به سمت افغانستان سرازیر می‌شد- و نقش مهمی در اقتصاد داشت- با تحریم‌های ناشی از عدم شناسایی طالبان تا حدود زیادی کاهش و در مواردی قطع شده است (ملازهی، ۱۴۰۲). در کنار این محدودیت‌ها مشارکت ایران در پروژه‌هایی همانند ساخت جاده دوغارون به اسلام قلعه و سپس به هرات، امکان تردد آسان‌تر مردم و ترانزیت کالا را که بهبود شرایط مالی، تبادلات فرهنگی و تغییر سبک زندگی مردم را در پی دارد قابل بررسی است. دیپلماسی رسانه‌ای همچنین می‌تواند زمینه‌ساز حمایت از تصمیم‌های آتی دولتمردان، مانند تمایل طالبان به کشت جایگزین گندم و محصولات درختی و ممنوعیت کشت خشخاش را فراهم آورد. رسانه‌های فارسی‌زبان در کنار نمایش مضللات کشت خشخاش، نباید از شوک کاهش درآمد یک میلیارد دلاری- بنا به گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ- غافل شده و فقر

و محرومیت روستاییان را که از کاهش ۸۰ درصدی سطح زیر کشت ناشی می‌شود، فراموش نکنند (ICRC, 2023).

ایران در مرز مشترک با افغانستان برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر بیش از ۵ هزار نفر از نیروهای مسلح و امنیتی خود را از دست داده است (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۴۰۰) و بیش از ۶۰۰ کیلومتر موانع تردد در نواحی مرزی با افغانستان احداث کرده است (بیات، ۱۳۹۳). موضع طالبان در موضوع تقسیم آب یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر دیپلماسی رسانه‌ای محسوب می‌شود. با تشدید بحران آب در منطقه، تنش‌ها بر سر حق آب بین دو کشور احتمالاً در آینده افزایش می‌یابد (حاجی‌وثوق، ۲۰۲۳: ۱۹۸). به این موارد مدیریت حوضه‌های رودخانه‌های مشترک، افزایش تقاضای آب به دلیل رشد جمعیت و فعالیت‌های کشاورزی، پروژه‌های زیرساختی، مانند سد‌ها و مخازن، آلودگی ناشی از تخلیه‌های صنعتی، رواناب‌های کشاورزی و اقدامات ناکافی بهداشتی که بر کیفیت آب تأثیر می‌گذارد، نیز باید اضافه شود.

رسانه‌ها با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح از وضعیت دو سوی مرزها می‌توانند چالش‌ها، مشکلات، نیازها و بحرانی شدن وضعیت زندگی مردم را به تصویر کشیده و از دولتمردان طالبان مطالبه‌گری کنند. نشان دادن بحران‌های زیست‌محیطی و تبعات آن رسالت رسانه‌ها محسوب شده و باید توسط دیپلماسی رسانه به سرانجام برسد. دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند با کمک و حمایت از حقوق زنان در بهبود شرایط مؤثر واقع شود. در حکومت سرپرست طالبان، هبت‌الله آخوندزاده در دسامبر ۲۰۲۱، فرمانی مبنی بر التزام رضایت زنان برای ازدواج، حق زن در مهریه، انتقال ثروت به عروس در زمان ازدواج و حق مالکیت ارث شرعی داده است (Barnett, 2022)، اما همچنان رواج چند همسری و تایید آن و سوء استفاده از کودکان و دختران کم‌سن زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی افغانستان است.

در کنار حقوق قانونی زنان، آموزش نیز از جمله موارد مهم است، هر چند طالبان بارها تأکید کرده‌اند که مخالف تحصیل دختران نیست، اما اکنون دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران بسته است. طبق آخرین آمارها، تعداد دانشجویان در ۴۰ دانشگاه دولتی و ۱۴۰ دانشگاه خصوصی افغانستان به ۵۰۰ هزار تن می‌رسید که نزدیک به ۲۰۰ هزار تن آنان دختر بودند. با این حساب، پس از ممنوعیت تحصیل دختران، ۴۰ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان کاهش یافته است (Barnett, 2022). بی‌اعتمادی بین اعضای حکومت طالبان پس از اعلام نظرات مختلف در این خصوص، ناامیدی بین مردم، انزوای بین‌المللی طالبان و افزایش روند مهاجرت و نداشتن توجیه



شرعی و منطقی از پیامدهای ممنوعیت تحصیل بانوان در افغانستان به‌شمار می‌آید (محمودی، ۱۴۰۲). ایران می‌تواند با دیپلماسی رسانه‌ای مؤثر این مشکل را با در اختیار قرار دادن بسته‌های آموزشی رسانه‌ای و همکاری‌هایی مشابه برای دختران افغانستان که فارسی را تا حدود بسیار متوجه می‌شوند با کمترین هزینه بهبود بخشیده و کمک شایانی به آموزش زنان افغانستان نماید.

تا مارس ۲۰۲۲م، ۹۵ درصد از خانوارهای افغانستانی غذای کافی نداشتند و بیش از ۳٫۵ میلیون کودک به حمایت‌های درمانی تغذیه نیاز داشتند. تا آگوست ۲۰۲۲، شش میلیون نفر «در آستانه قحطی» قرار داشتند (Center for Preventive Action, 2023). خشکسالی شدید، همه‌گیری بیماری‌هایی مانند تب کریمه کنگو و کووید-۱۹، کاهش اعتماد به دولت قبلی، کاهش هزینه‌های نظامی بین‌المللی با خروج نیروهای آمریکایی و خارجی، فرار سرمایه و سپس قطع ناگهانی کمک‌های غیرنظامی و امنیتی بلافاصله پس از تسلط طالبان، این روند را تشدید کرد (Abbas, 2023). به‌طور قطع می‌توان با استفاده از قدرت رسانه‌ها به بخشی از این موارد سامان داد. در نهایت رساندن صدای جامعه افغانستان به جهانیان به رسانه‌های قوی و مؤثر نیازمند است. دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند این امکان را برای جامعه افغانستان از طریق رسانه‌های برون‌مرزی فارسی‌زبان ایران فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

از آنجا که در دیپلماسی رسانه‌ای حاکمیت‌ها از طریق رسانه‌های همسو و البته به‌صورت غیرعلنی درصد تأثیرگذاری بر افکار عمومی هستند، محتوای رسانه‌ها اهمیت خاصی دارند. محتوایی که با استانداردهای مطلوب، حرفه‌ای و معطوف به ارزش‌های خبری بوده و از هرگونه سوگیری قومی و حزبی خالی باشد. طبق نظر کاستلز این محتوا در صورتی در جهت همکاری دو کشور کارایی دارد که از پایه‌های مسنجم فرهنگی نیز برخوردار باشد. هر چند سیاست‌ها، مخالفت‌ها و سختگیری‌های طالبان خصوصاً در مورد رسانه‌ها، همکاری با رسانه‌های فارسی‌زبان این کشور را سخت کرده است، اما با در نظر گرفتن استانداردهای مطلوب طالبان، هنوز امید می‌رود که بتوان پروژه‌های رسانه‌ای مشترک را که با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشور سازگاری دارد پیش بُرد. این فرآیند نیازمند بسترسازی از سوی مجریان چنین طرح‌هایی است تا بتوان با زمینه‌سازی افکار عمومی برای اجرای طرح‌های مشترک، احساس خودی بودن میان کنش‌گران و فعالان رسانه و مخاطبان را به‌وجود آورد. کانتوری و اشیپگل نیز همکاری را وابسته به تقویت

و تمرکز بر هدفی مشخص و تعیین‌کننده در روابط کشورها می‌دانند. همگرایی بر اساس ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه یا مکمل بودن ویژگیها تعیین می‌شوند که طبق یافته‌های این پژوهش این ویژگی‌ها پایه‌های فرهنگی و تمدنی مشترک بین ایران و افغانستان است. به این معنی که تقویت این ریشه‌ها عامل همگرایی و ارتباط‌های درون منطقه‌ای در سطح کشورها بوده و سطح قدرت در نظام تابعه را معرفی می‌کند. در اولویت بعدی حفظ منافع اقتصادی، تجارت و ترانزیت کالا بین دو کشور مطرح است که از الگوی ماهیت ارتباط‌های درون منطقه‌ای اشیپگل و کانتوری منتج می‌شود.

از این نظر می‌توان طبق مصاحبه با بهشتی‌پور، تولید محتوای رسانه‌ها را با تکیه بر نیروهای حرفه‌ای رسانه‌ای و تمرکز بر موضوعاتی که نتیجه تبادلات اندیشمندان و صاحب‌نظران اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها است، در ابعاد گوناگون تهیه و توزیع رسانه‌ای کرد. نتیجه عملکرد مسنجم رسانه و محتوای مناسب، تعلق مخاطب فارسی‌زبان را به رسانه افزایش داده و در ادامه با همفکری و همیاری مخاطبان، ارتباطی کنش‌گرایانه شکل گرفته که با برآوردن سلايق به تدریج بر سبک زندگی افراد تأثیر گذاشته و بستر همیاری و همکاری دولت-ملت را بین دو کشور فراهم می‌آورد. بر اساس مصاحبه با امیراحمدیان، کلیشه‌هایی که نشان از برتری‌جویی ایران در رفتار و گفتار سیاست‌گذاران ایران نسبت به مردم و حکومت سرپرست طالبان دارد می‌تواند عامل مهمی در واگرایی دو ملت به‌شمار آمده و محتوای رسانه را تحت تأثیر قرار دهد، از این نظر بازبینی راهبردی سیاسی حوزه افغانستان باید در اهم امور قرار گیرد. همچنین بر اساس مصاحبه با جهانشاهی دسترسی شهروندان افغانستان و ایران به اطلاعات قابل اعتماد و تأیید صحت اطلاعات برای حفظ اعتبار رسانه‌ها، همچنین شفافیت در گزارش‌ها و اخبار با حفظ استقلال منابع معتبر، ایجاد زمینه بازنشر خبر و نحوه پوشش، می‌تواند تأثیر به‌سزایی در اعتماد مخاطب به رسانه و ارجاع مجدد به‌رسانه داشته باشد. در کنار این موضوع فرمت‌های چند رسانه‌ای مانند ویدئو، اینفوگرافیک و محتوای تعاملی که باعث افزایش درک مخاطب شود، ضروری است.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای

با توجه به نظرات افراد مصاحبه‌شده بخشی از گزاره‌های مفید در دو گروه محور و قالب بهره‌برداری، پیشنهاد می‌شود.

جدول شماره ۶- محتوای رسانه‌ای قابل بهره‌برداری

محورها و موضوعات	قالب بهره‌برداری
<ul style="list-style-type: none"> - آثار ملموس و ناملموس تمدنی، قومی، معماری، دینی و فرهنگی - آئین‌ها و مراسم ویژه مناسبت‌های فرهنگی و ادبی مشترک ایران و افغانستان - معرفی و حمایت از سمن‌های ایرانی فعال در حوزه فرهنگ و ادب افغانستان و بالعکس - شرایط زندگی و مسائل مهاجران افغانستانی - معرفی تروریسم و افراط‌گری - نقد سازنده تفکر تکفیری و جلوگیری از گسترش آن در افغانستان - معرفی اندیشمندان و بزرگان افغانستانی و ایرانی - معرفی و گرامی‌داشت شهدای فاطمیون، مدافعان حرم و خانواده‌های آنها - حقوق زنان در افغانستان در چارچوب آموزه‌های اصیل اسلامی - سوء مصرف مواد مخدر، شهدای مرزبانی و... 	<ul style="list-style-type: none"> - تولید مستندهای مردم‌نگارانه برای ترویج و بومی‌گرایی - تولید سریال با موضوعات فرهنگی و قومی دو کشور با استفاده از بازیگران و لوکیشن‌های مرتبط - بهره‌برداری از ظرفیت‌های موسیقی، مشاهیر، زبان فارسی، شعر، مراسم و آئین‌هایی همانند نوروز - بهره‌برداری از ظرفیت سریال‌های ایرانی برای تأثیرگذاری بر سبک زندگی مردم افغانستان - تولید پادکست، پست‌بلاک، ویدئوکلپ و قطعات موسیقی برگرفته از اقوام، برنامه‌های گفتگو محور و... - ساخت انیمیشن‌هایی همانند مسافری از گانورا - تولید بسته‌های آموزشی خصوصاً برای خانواده، کودکان و زنان - انتشار کتاب، پژوهش و نشریات - تئاتر، جشنواره‌های فرهنگی، موسیقی و... - تهیه و توزیع محتوا و دیجیتال مارکتینگ

پیشنهاد‌های رسانه‌ای که به‌طور کلی بهتر است مد نظر قرار گیرند عبارت‌اند از:

- واقعیت این است که جامعه پشتون در حال حاضر یکی از آخرین بازمانده نظام قبایلی منسجم باقی‌مانده در سطح جهانی است. شناخت جامعه پشتون که تأثیر مهمی در تحولات همسایگی شرقی ایران و در یک حوزه فرهنگی مهم و حیاتی این کشور قرار دارد، نباید کم اهمیت تلقی شود. زیرا در چند قرن گذشته تحولات افغانستان حول محور پشتون چرخیده و در آینده نیز چنین خواهد بود. بنابراین شناخت و ارتباط آگاهانه با اقوام پشتون در قالب پژوهش‌های رسانه‌ای، ضروری است.

- با توجه به سوءاستفاده رسانه‌ها از برخی موضوعات همانند ارتباط طالبان با برخی گروه‌های تروریستی که شائبه‌هایی را برای رسانه ایجاد می‌کند، سواد سیاسی و رسانه‌ای بالا در مواجهه با مسائل افغانستان اجتناب‌ناپذیر است. کشته شدن ایمن الظواهری رهبر القاعده در اوت ۲۰۲۲، توسط هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در حریم طالبان که شبهه ارتباط نزدیک بین این گروه

و طالبان را وجود آورد (Maizland, 2023)، مثال خوبی از این نوع است. هر چند که ممکن است افغانستان محیط امنی برای زندگی، جمع‌آوری کمک‌های مالی و آموزش نظامی این گروه باشد و این موضوع منجر به اختلافاتی با سایر دولت‌ها شود، اما تمایز قائل شدن بین شبه‌نظامیان افغانستان خصوصاً توسط رسانه‌ها حائز اهمیت بسیار است.

- بین اقوام مختلف در افغانستان باید تفاوت قائل شده و به تناسب هر کدام از این اقوام پیشنهادها برنامه‌ای ارائه شود. کما اینکه این اشتباه راهبردی پس از ۱۱ سپتامبر، از سوی آمریکا و همسان تصور کردن مهاجمان القاعده و طالبان افغانستان که به بن‌لادن اظهار وفاداری کردند، بعدها «بن‌بست استراتژیک» واشنگتن را در کابل رقم زد.

- با توجه به اینکه غیرپشتون‌ها افغان نیستند و کلمه افغان تنها نام یک قوم در کشور افغانستان است که پشتوزبان هستند، لازم است مردم افغانستان تنها با همین نام شناخته شوند و از کاربرد لغت افغان برای همه مردم افغانستان خودداری شود.

- پیشنهاد می‌شود در رسانه‌های فارسی‌زبان خدمات ایران به افغانستان برای مقابله با سیاه‌نمایی رسانه‌های معاند، تبیین و پرداختن به مسئله مهاجران افغانستانی در ایران، قدردانی از خدمات افغانستانی‌ها به ایران، شناساندن ظرفیت‌های مختلف افغانستان و ایران برای تعمیق مناسبات دو کشور انجام شود.

- پیشنهاد می‌شود ایران رویکرد فرهنگی با ابزار رسانه‌ای را در اولویت قرارداد و از تبلیغات ایدئولوژیک صرف فعلاً خودداری کند. می‌توان این رویکرد را در قالب راه‌اندازی شبکه رادیویی مستقل برای تاثیرگذاری در نسل‌های گذشته پناهجویان ساکن در ایران و تربیت نسل جوان‌تر و جدید از آینده دنبال کرد.

- پرهیز از نگرش تک‌بعدی قومی در افغانستان و تأکید بر همکاری با همه اقوام افغانستان (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و...)

- با توجه به تلاش فراوان آمریکا و قدرت‌های غربی برای نفوذ و تغییر سبک زندگی مردم افغانستان، ایجاد بدبینی به ایران و تقویت دوقطبی شیعه-سنی، توجه به فرهنگ و رسانه، اولویت دارد. برای فعالیت‌های رسانه‌ای در افغانستان، باید با بهره‌گیری از پتانسیل چندمیلیون پناهجوی افغانستانی ساکن ایران و تبدیل این تهدید به فرصت در موضوعات فرهنگی، رویکردی ایجابی اتخاذ کرد. لذا ایران باید از بعد فرهنگی- رسانه‌ای فعالیت خود را آغاز



نموده و پس از مدتی به سایر حوزه‌ها تسری دهد. زیرا تعلق فکری به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در سطوح مختلف اجتماعی افغانستان از جمله نخبگان فرهنگی دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بیات، فرنگیس (۱۳۹۳). سیاست خارجی ایران و معضل مواد مخدر، سایت دیپلماسی ایرانی.
- حاجی‌وثوق، ندا (۲۰۲۳). امکان‌سنجی همگرایی سیاسی - امنیتی بین ایران و افغانستان در دوران طالبان. *دوسالانه بررسی سیاسی خاورمیانه*، بهار و تابستان.
- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۲). افزایش ۲۲۴ میلیون دلاری صادرات غیرنفتی ایران به افغانستان. ۲۶ اردیبهشت، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/1402012614198>
- خبرگزاری دفاع مقدس (۱۴۰۰). «خون شهدای مبارزه با مواد مخدر پاسخی به ادعای رئیس‌جمهور آذربایجان/ ایران در خط مقدم مبارزه با مواد مخدر است»، ۲۵ مهر، قابل دسترس در: <https://defapress.ir/fa/news/484922>
- خرازی‌آذر، زهرا، نرگس احسانی (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی جهانی رسانه‌های بزرگ*. انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رمضانی، رحمت و علیرضا محرابی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر و واگرایی کشورهای ساحلی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲.
- روحی، محمد و ترابی اقدم، محمود (۱۳۹۵). راه اندازی سیمای دری برون مرزی، پژوهش‌های کاربردی معاونت برونمرزی صدا و سیما.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبات و کارآمدی، تهران: وزارت خارجه.
- شفیعی، نوذر (۱۴۰۲). از همکاری تا منازعه: تحلیلی بر روابط ایران و طالبان، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۴ شماره ۴.
- طباطبایی، سید علی (۲۰۲۱). *بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی، ماهیت برداشت اول*، سال سوم، شماره ۲۱.
- ظریف، محمدجواد و سیدمحمد کاظم سجادیپور (۱۳۸۷). *دیپلماسی چندجانبه*. تهران: انتشارات وزارت خارجه، جلد اول.
- عالیشاهی، عبدالرضا، حس‌پور، ندا و کرم، سینا (۱۴۰۱). مدل راهبردی طالبان در روند دولت‌سازی دوم در افغانستان. *فصلنامه علمی ره‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۴، شماره ۳.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه پایه (گراند تئوری). تهران: نشر آگاه.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه‌ای، انتشارات طرح نو.

کولایی، الهه و سازمند، بهاره (۱۳۹۰). همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن، فصلنامه رهیافت‌های سیاست بین‌الملل، پاییز شماره ۲۷.

محمودی، زهرا (۱۴۰۲). چالش‌های داخلی و خارجی حکومت سرپرست طالبان و چشم‌انداز آن. پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما.

مرتضوی‌امامی‌زواره، سید علی (۱۳۹۸). واکاوی سیاست خارجی ایران در برابر افغانستان. مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۳۲، پاییز.

مقدس، اعظم (۱۴۰۰). بررسی علل و زمینه‌های بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان. دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۹ شماره ۲.

میناوند، محمد قلی، جعفری چگینی (۱۳۹۸). بایسته‌های همکاری مطلوب رسانه‌ای میان کشورهای فارسی‌زبان. فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۴.

نادری فر، مهین؛ گلی، حمیده؛ قلیجایی، فرشته (۱۳۹۶). گلوله برفی روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی، نشریه گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، دوره ۱۴، شماره ۴۱.

نوروزی، مجتبی، لواسانی، شکوه‌السادات و نظیفی‌نائینی، نازنین (۱۴۰۰). بسترهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در دوره ریاست‌جمهوری حامد کرزای و اشرف غنی. مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل، سال پنجم، شماره ۱۲، ۶۹-۳۱.

منابع انگلیسی

Abbas, Hassan (28 JULY 2023). "The internal splits that threaten the Taliban's rule", available: <https://www.chathamhouse.org/publications/the-world-today/2023-08/internal-splits-threaten-talibans-rule>

Barnett R. Rubin (2022). Afghanistan Under the Taliban: Findings on the Current Situation. October 20, Available at :<https://www.stimson.org/2022/afghanistan-under-the-taliban-findings-on-the-current-situation/>

Center for Preventive Action (August 17, 2023). "Instability in Afghanistan", available: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/war-afghanistan>.

Gilboa, Eytan (2002). Mass communication and diplomacy: A theoretical framework. *Communication Theory*, PP. 275-309



- Hasmat Vejdani and Amit Kumar (2023). Analyzing the State of Afghan Journalism. Available at: <https://thediplomat.com/2023/08/analyzing-the-state-of-afghan-journalism/>
- Koole, S. L. (2009). The psychology of emotion regulation: An integrative review. *The psychology of emotion regulation: An integrative review*, ۲۳ (1), 4-41.
- Maizland, Lindsay (2023). The Taliban in Afghanistan, Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/taliban-afghanistan>
- Matteo Legrenzi (2024). Iran's Troubled Relations with Afghanistan and Tajikistan: A Compound Alignment Dilemma. *Instituto affair internazionali (IAI)*. Available at: <https://www.iai.it/en/publicazioni/irans-troubled-relations-afghanistan-and-tajikistan-compound-alignment-dilemma>
- Mohammad Bashir Elham, Shirali Samimi(2023). "The cultural relationship between Afghanistan and Iran during the reign of Amir Amanullah Khan", *Humanities and Social Sciences*, Available at: <http://sorinpub.com/sjahss>
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications, Thousand Oaks, CA, US
- Tricia Bacon (2021). "De-Talibanization and the Onset of Insurgency in Afghanistan", Available at: <https://www.researchgate.net/publication/348507251>